

جای خالی نگاه فرهنگی به اوضاع سوریه

مصطفی لشکری

سوریه و منازعات اخیر آن تاکنون صرفاً از منظر سیاسی در رسانه‌ها به بحث گذاشته شده و هیچ تصویر روشنی از ماهیت فکری و اجتماعی درگیری‌های سوریه برای مخاطب ایرانی ارائه نشده است. هرچند نمی‌توان جای خالی انبوه کارهای نشده در این حوزه را پر کرد، اما در این مجال مختصر، کوشیده‌ایم در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام اختری و دکتر ابراهیم فیاض روایتی فرهنگی و مردم‌شناختی از آن چه در دل جامعه سوریه می‌گذرد ارائه دهیم.

سوریه در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقاست و پیش از آنکه سرزمین شام در سال سیزدهم هجری به قلمرو بلاد اسلامی افزوده شود، سکونت و حکومت اقوام گوناگونی را به خود دیده است: از سومری‌ها و آرامی‌ها گرفته تا ایرانیان و یونانیان و رومی‌ها.

حکومت‌های اسلامی نیز با ریشه‌های قومی و مذهبی متفاوت تا قرن شانزدهم میلادی بر شام حکم راندند تا آنکه این سرزمین در سال 1516 میلادی / 922 هجری به تصرف قوای عثمانی درآمد. اضمحلال امپراتوری عثمانی تفکیک سرزمین شام را در پی داشت و سوریه و لبنان کنونی در قالب یک کشور تحت سیطره فرانسه قرار گرفتند.

سوریه نزدیک به 22 میلیون نفر جمعیت دارد که 90 درصد آن را عرب‌ها و 9 درصد آن را کردها تشکیل می‌دهند. ارامنه و ترک‌ها نیز از اقلیت‌های قومی سوریه‌اند. بیش از یک میلیون پناهجوی فلسطینی، لبنانی و عراقی نیز در سوریه به سر می‌برند. در نقطه مقابل، اتباع کشورهای عربی و ترک‌ها نیز از نیروهای مسلحی هستند که در منازعات اخیر وارد سوریه شده و به جنگ داخلی دامن می‌زنند.

علیرغم حاکمیت امویان در شام، گرایش به اهل‌بیت (ع) در این منطقه بالاست. در برهه‌ای از تاریخ مذهب مردم دمشق را ناصبی (دشنام‌گوی اهل بیت) گفته‌اند و در مقطعی دیگر رافضی (شیعه). «یاقوت حموی» نیز در «معجم البلدان» مردم حمص را از شیعیان غالی (اهل غلو) می‌داند. به هر حال می‌توان گفت میراث امویان امروز جای خود را به نمادهای محبوبی چون حرم حضرت زینب (علیهاالسلام)، مقام سرهای شهدای کربلا، مرقد عمار یاسر، حجر بن عدی و اويس قرنی و ... داده است. شیعیان شام، تشیع خود را وامدار ابوذر غفاری - زمانی که عثمان او را به حمص تبعید کرده بود - می‌دانند و اولین نشانه‌های تشیع در شام به نیمه نخست قرن اول هجری باز می‌گردد.

اسلام دین رسمی و سنت حنفی مذهب رسمی کشور سوریه است. بیش از 80 درصد جمعیت سوریه مسلمانند که از این میان حدود 15 درصد جمعیت را علویان (که خاندان اسد نیز جزو آنان است)، اسماعیلیان و شیعیان دوازده امامی تشکیل می‌دهند. اغلب شیعیان دوازده امامی در حمص و حلب ساکنند. مسیحیان نیز 15 درصد و دروزیان 3 درصد جمعیت سوریه را به خود اختصاص داده‌اند و البته اندکی یهودی هم در این کشور زندگی می‌کنند. مفتیان وهابی ریختن خون مردم سوریه به ویژه علویان را حلال می‌دانند.



فرهنگ مردم سوریه از کثرت به وحدت گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسن اختری، دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)



از تجربه حضور تان در سوریه بگویید.

قبل از پیروزی انقلاب که در نجف درس می‌خواندم برای تبلیغ به یکی از روستاهای حمص در سوریه می‌رفتم. بعد از انقلاب نیز دو دوره سفیر ایران در سوریه بودم. از جمله بخشی از دوران جنگ که در عمل امور مربوط به سوریه، عراق، لبنان و فلسطین را پیگیری می‌کردم. در عین حال فارغ از فضای مسئولیتم به‌طور عادی به شهرها و روستاهای مختلف سفر می‌کردم و با ائمه جماعات، علما، شخصیت‌های دینی و دانشگاهی، احزاب و گروه‌های مختلف مردم در تماس بوده‌ام.

گرایش‌های مذهبی مردم سوریه چگونه است؟

مذهب رسمی سوریه حنفی است. البته میان علمای آن‌ها علمای شافعی هم وجود دارند و گاهی هم مفتی‌گری بر عهده آن‌ها بوده است مثل همین الان که دکتر احمد حسون به عنوان یک شافعی، مفتی سوریه است. همه مذاهب در سوریه هستند و نمود کامل آن مسجد بزرگ اموی است که چهار محراب دارد و در گذشته، چهار نماز جماعت در آن برگزار می‌شد؛ البته چند سالی است که یک نماز جماعت برگزار می‌شود.

این فرهنگ دینی در رفتار اجتماعی سوری‌ها نیز بروز دارد؟

مردم سوریه از نظر اخلاقی مردم اهل صلح و سلامتند و خوش‌برخورد و دوستدار زندگی. به روابط خانوادگی و اجتماعی و معاشرت‌های دینی اهتمام دارند و بعد از انقلاب هم که رفت و آمد مدام مردم ما به عتبات سوریه صورت گرفته، روز به روز فرهنگ اسلامی در میان آن‌ها رشد بیشتری داشته است. حضور مردم در مساجد بسیار پررنگ شده و اگر حجاب 10 درصد بوده است، الان بیش از 70 درصد شده است. در ماه مبارک رمضان وقتی دم غروب بیرون می‌آیید، می‌بینید که همه مردم می‌روند برای افطار و خیابان‌ها خلوت می‌شود.

در فضای فرهنگی و هنری و رسانه‌ای سوریه چه گرایشی حاکم است؟

جوشش فرهنگ دینی (در تمام مذاهب سوریه) از مراکز دینی و مردمی بوده و روز به روز هم رشد کرده است. اما با توجه به اینکه در طول 40 سال حکومت

حزب بعث فرهنگ لائیک حاکم بوده فیلم‌ها و آثار هنری معمولاً رنگ و بوی دینی نداشته‌اند، البته گرایش اخلاقی حاکم است. هنر سوریه عموماً بر روی فرهنگ قدیم عربی و داستان‌های تاریخی اسلامی و غیراسلامی تأکید داشته که در سالهای اخیر به‌خصوص ده، پانزده سال گذشته صبغه مقاومت هم در آن‌ها بسیار شیوع پیدا کرده.

این روحیه مقاومت در فرهنگ عامه مردم سوریه هم هست؟

فرهنگ مقاومت یکی از اصول عام دولت و ملت سوریه بوده و هست. وقتی مهاجران لبنانی به سوریه آمده بودند، مردم به طور گسترده و بسیار راحت خانه‌ها و امکاناتشان را در اختیار آن‌ها قرار دادند و پناهشان دادند. شخصیت‌های مبارز فلسطینی همه در سوریه زندگی می‌کنند و گروه‌های مبارز فلسطینی که از ابتدا در فکر مقابله با اسرائیل بوده‌اند، همه‌شان در سوریه حضور داشته‌اند و این در حالی است که کشور قطر دفتر حماس را بست و اردن ابراهیم غوشه و موسی ابومرزوق را اخراج کرد. در سوریه به خاطر مقاومت انسجام خوبی وجود دارد. عموم مردم سوریه از نظر فرهنگی بسیار معتدل و صبور و آرام هستند و قوت گرفتن روابط ایران و سوریه در سی سال اخیر و فروپاشی شوروی گرایش مردم از سوسیالیسم به اسلام را تقویت کرده است.

حضور وهابیت در سوریه چگونه شکل گرفت؟

فعالیت وهابی‌ها به خصوص در هفت هشت سال اخیر در سوریه قابل مشاهده بود و پس از شروع بیداری اسلامی شدت گرفت. القاعده و وهابی‌ها هم از تشدید اختلافات احزابی چون اخوان و ناصری‌ها با حاکمیت استفاده کردند و با نشر تفکر تکفیری در سوریه و پشتیبانی اسرائیل و غرب و ترک‌ها مجموعه‌هایی را تشکیل دادند. از آن جایی که این مجموعه‌ها در میان مردم جایگاهی ندارند، در طول این دو سال نتوانستند از ظرفیت مردم استفاده کنند؛ لذا گروه‌های تروریستی را از کشورهای مختلف از جمله لیبی، سودان، عربستان سعودی، ترکیه و حتی کشورهای اروپایی در سطح کادرهای افسران و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی تا سرباز آوردند و تجهیز کردند.